

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه سیزدهم، ۱۴۰۲/۱۱/۳۰

موضوع: فقه المشاورة/خصوصیات مشاوره ی اسلامی /وحيانی بودن مشاوره ی اسلامی

1- حدیث اخلاقی (موعظه یذیری)

1.1. لزوم نگاه همراه با موعظه به پدیده ها

حدیث اخلاقی امروز را در محضر امام کاظم (علیه السلام) - پدر بزرگوار حضرت معصومه (سلام الله علیها) هستیم؛ گرچه سخنان ائمه (علیهم السلام)، همه اش قابل دقت و برنامه ریزی است. ماه مبارک شعبان است. «إِنَّمَا سُمِّيَ شَعْبَانُ لِأَنَّهُ يَتَشَعَّبُ فِيهِ أَرْزَاقُ الْمُؤْمِنِينَ»؛ [1] رضوان و رحمت الهی در این ماه تقسیم می شود. ما باید ظرف های وجودی مان را برداریم و از این تقسیم، عقب نمانیم. یکی از چیزهایی که ما را نسبت به قسمت باری تعالی موفق می دارد، این است که ما نسبت به بینشهای مان و دیدهای مان، مراقبت داشته باشیم.

امام کاظم (علیه السلام) در بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۱۹ می فرمایند:

«ما من شيء تراه عينيك إلا وفيه موعظة»؛ [2] هر چیزی که چشمان ما می بیند، در آن موعظه است.

1.2. نیاز مؤمن به موعظه ی درونی

امام جواد (علیه السلام) فرمودند: «المؤمن يحتاج إلى ثلاث خصال: توفيق من الله، وواعظ من نفسه، وقبول ممن ينصحه» [3].
ما نیاز به واعظ نفسانی داریم.

1.3. سمع و بصر، دو ابزار موعظه

ما دو منبع اساسی برای دریافت معارف داریم: چشم و گوش. این دو منبع، بسیار مهم در سیروسلوک و جذب معارف است. اینکه در قرآن می فرماید: ﴿إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [4] و ﴿إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [5] و این قدر که سمیع و علیم و سمیع و بصیر برای حضرت حق به کار برده شده، از این باب است؛ لذا چشم و گوش هم نیاز به درایت و هم نیاز به مواظبت دارد.

«ز دست دیده و دل هر دو فریاد که هرچه دیده بیند، دل کند یاد» [6].

1.4- آثار معنوی و دنیوی مراقبت از چشم

ما باید مراقبت داشته باشیم. اگر انسان مراقب چشمش باشد، باز شدن چشم برزخی، همانند آب خوردن، آسان است.

مراقبت، مراقبت، مراقبت. سبحان الله! وقتی که انسان مراقبت داشت، دیدش، دید معرفتی و موعظه‌ای می‌شود. هرچه که می‌بیند، از آن یک برداشت معرفتی دارد. و اولین برداشتی که دارد، این است که به هیچ چیزی بدبین نیست. من عرض می‌کنم که بدبینی از دویینی است. انسان وقتی که توحید فعلی‌اش مشکل داشت، حسّ بدبینی دارد.

1.5- وظیفه‌ی مشاور، تقویت مثبت‌گرایی برای مراجعین

من اول به خودم و بعد به شما توصیه می‌کنم که در مثبت‌گرایی بکوشیم و منفی‌گرایی را حذف کنیم. چون بحث فقه‌المشاوره است، عرض می‌کنیم که اکثر آسیب‌هایی که الان مراجعین دارند و به مشاورین مراجعه می‌کنند، در اثر این است که حس منفی‌گرایی آنها به اوج رسیده است و رشد کرده است؛ لذا ما باید از همان اول، نقطه‌ی آسیب را حذف کنیم؛ و حذف آن به این است که جنبه‌های مثبت‌گرایی را تقویت کنیم.

1.6- لزوم مثبت‌گرایی و پرهیز از منفی‌گرایی مشاورین در برخورد با مراجعین

تقاضا می‌کنم که مشاورین، مثبت‌گرا باشند؛ حتی مراجعین آسیب‌زده هم که پیش آنها می‌آیند، فقط به آسیب آنها توجه نکنند؛ بلکه بدانند که شخص آسیب‌زده، کمالاتی دارد که باید به آن توجه شود. و به این جهت است که انسان در هرچه که می‌بیند، موعظه‌ای است. و مشاور، هر مراجعی که می‌بیند، عبرت و موعظه‌ای است. برای همین در مباحث مشاوره، ما مشاوره را تعریف وجودی می‌دانیم، نه ماهوی؛ یعنی هر مشاور با هر مراجعی و با هر مشورتی، خصایصی دارد.

اینکه امام کاظم (علیه‌السلام) فرمودند: «هیچ چیزی نیست، مگر اینکه انسان به آن دید موعظه‌ای دارد»، به همین جهت است.

تقاضا می‌کنم که دید موعظه‌ای خود را نسبت به معرفت نفسانی خود و هم نسبت به تواضع با دیگران برنامه‌ریزی کنید.

1.7- توصیه به سعه‌ی صدر برای مشاورین

ماه مبارک شعبان است. معرفت نفس، بهترین بستر برای قسمت رب است. تقسیم باری تعالی به کسانی می‌رسد که وسعت نفسانی داشته باشند. حضرت موسی (علیه‌السلام) عرض

کرد: ﴿رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي﴾، [7] ﴿وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي﴾، [8] ﴿وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي﴾ [9]. و در مورد پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرماید: ﴿أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ﴾ [10]. در سعه‌ی صدرتان بکوشید. سعه‌ی صدر به انسان، یک وسعت موعظه‌ای می دهد که هر چیزی که می بیند، نسبت به آن برداشت مثبت دارد. آرام آرام مثبتات خود را اضافه کنید و منفی گرایی را حذف کنید، تا قسمت ربوبی نصیب‌تان شود. قسمت ربوبی که بشود، شما در یوم ربوبی قرار می گیرید. وقتی که در یوم ربوبی قرار بگیرید، هستید که هستید که هستید.

1.8- اهمیت ماه مبارک شعبان

ماه مبارک شعبان و ایام شادی و فرح است و تنها ماهی است که در آن رحلت ائمه (علیهم السلام) قرار نگرفته است. ماهی است که رزاقیت باری تعالی در این ماه تمثیل پیدا می کند. در این ماه عطا می کند و در ماه مبارک رمضان، عطیه اش به نتیجه می رسد؛ چون لیلۃ القدر صغیره در این ماه است. ان شاء الله رزقنا الله إيانا و إياكم که ما هم از این مطالب، بهره ببریم.

2- خلاصه جلسه گذشته

در بحث فقه المشاورة، ضرورت مشاوره را بحث کردیم، نیاز به مشاوره را بحث کردیم و مشاوره را تعریف کردیم و در خصوصیات و خصائص مشاوره‌ی اسلامی و تفاوت آن با مشاوره‌ی اصطلاحی بودیم.

3- مبانی مشاوره‌ی اسلامی

چه تفاوتی بین مشاوره‌ی اسلامی و مشاوره‌ی غیر اسلامی است؟

ما عرض مان این است که مشاوره‌ای که مضافاً الیه آن اسلام است، تمام خصوصیات اسلام باید در آن رعایت شود. ما در ادبیات، یک بحثی داشتیم و آن این است که مضافی که به مضافاً الیه بشود، کسب تعریف و خصوصیات مضافاً الیه می کند. وقتی که مشاوره‌ی اسلامی با خصوصیت اسلام می آید، باید قید اسلامیت را داشته باشد؛ به همین جهت عرض کردیم که در مبانی مشاوره‌ی اسلامی، انسان‌شناسی هست، هستی‌شناسی هست، معرفت‌شناسی هست، مبدأشناسی هست و معادشناسی هست.

4- خصوصیات مشاوره‌ی اسلامی

4.1- جهان‌شمولی

مشاوره‌ی اسلامی، یک مجموعه‌ای از اندیشه‌ی اسلامی، عقاید اسلامی، اخلاق اسلامی، معارف اسلامی و جامعیت و جهان‌شمولی اسلامی هست. ما یکی دیگر از خصایص مشاوره‌ی اسلامی را جهان‌شمولی می‌دانیم. و چون آن را جهان‌شمول می‌دانیم، وابسته‌ی به فطرت انسانی می‌دانیم. و فطرت انسانی و اسلامی، لایتغیر و لا یتبدل است و هیچ‌تغییر و تبدلی ندارد. گرچه که در زمان‌های مختلف، ممکن است که آسیب‌های مختلفی به آن زده شود و به خاطر موقعیت‌های مختلف زمانی و مکانی در احاطه‌ی آن تردیدهایی ایجاد شود، ولی قابل حذف نیست. در گذشته هم عرض کردیم که مشاوره، امر وجودی است، نه امر ماهوی.

4.2- آسیب‌زدایی از مراجعین

شما از هر انسانی اعم از آسیب‌زده و غیرآسیب‌زده، اگر تست بگیرید، اولین جواب آنها به تست این است که ما در آسیب‌های خود باید به شخصی مراجعه کنیم که ما را آسیب‌زدایی کند. بعداً به خصوصیات مشاور می‌رسیم که آیا مشاور باید برتر باشد، یا در رجوع مساوی به مساوی و رجوع عالی به دانی هم مشاوره صدق می‌کند، یا خیر؟

4.3- تعلیم و تزکیه و انجام رسالت انبیا (علیهم‌السلام)، نسبت به مراجعین

در مشاوره‌ی اسلامی نظرمان این است که همان خصوصیتی که برای اسلام می‌دانیم، برای مشاوره‌ی اسلامی هم می‌دانیم. برای همین ما بهترین مشاوره‌ی اسلامی را مشاوره‌ای می‌دانیم که در آن تبیین حکمت و مسائل الهی باشد؛ یعنی همان فلسفه‌ی بعثت انبیای الهی که تزکیه و تعلیم باشد؛ ﴿وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ﴾؛ [11] لذا اولین کار مشاور در مشاوره‌ی اسلامی، بستر تعلیمی و تعلیمی در اتاق مشاوره و تربیتی و تهذیبی است. ان‌شاءالله هرچه زودتر سیر و سلوک و عرفان عملی و معرفت نفس را شروع کنیم، تا کسانی که به ما مراجعه می‌کنند و آسیب‌زده هستند، ما آنها را راهنمایی کنیم.

4.3.1- نسبت بین مشاوره با هدایت، نصیحت و موعظه

چه نسبتی بین مشاوره و هدایت و نصیحت و موعظه است؟ عرض ما این است که مشاوره، عمومیت دارد؛ یعنی در مشاوره، گاهی هدایت است و گاهی نصیحت و موعظه است. بستر مشاوره برای هدایت شخص آسیب‌زده است؛ چنانچه انبیا و کسانی که صاحب شریعت هستند، در برخوردهای خود، جز مسائل اسلامی چیزی را تعلیم نمی‌کردند. و بر اساس «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ»، [12] به وفق عقول مردم، سخن داشتند. ما مشاوره‌ی اسلامی را چنین چیزی می‌دانیم و از آنجا که مبدأ اسلام من الحق إلى الحق

است و من الله إلى الله تبارك و تعالی است، مصدر مشاوره‌ی اسلامی را حضرت حق می‌دانیم. و تدبیر مشاوره‌ی اسلامی را من الله می‌دانیم.

4.4- و حیانی بودن، منشأ تفاوت مشاوره‌ی اسلامی با مشاوره‌ی اصطلاحی

آیه‌ی شریفه‌ی ﴿يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ﴾، [13] در مشاوره‌ی اسلامی هم تحقق دارد. «فالمدبرات أمرا.»

میز مشاوره‌ی اسلامی را در این می‌دانیم که در عین حالی که مشاوره‌ی اسلامی، تجربی، عقلی و منطقی است، اما خاص تجربه و عقل و منطقی نیست؛ بلکه فراتر از این‌ها است؛ یعنی ما مشاوره‌ی اسلامی را و حیانی می‌دانیم. در فقه‌المشاورة، خصوصیت مشاوره‌ی اسلامی این است که «یدبر الأمر من السماء إلى الأرض» است. این سماء هم آسمان اصطلاحی نیست؛ بلکه عالم علم، عالم فرشته‌ها، عقول و مفارقات و ماوراء ماده است. از آنجا القاء می‌شود و تحققش در عالم ماده است. برای همین وقتی که میز مشاوره‌ی اسلامی را و حیانی بدانیم، مشاوره‌ی موفق است که ارتباطش با وحی بیشتر باشد.

5- راهکارهای ارتباط با مبدأ و حیانی برای مشاور اسلامی

5.1- تهجد و سحرخیزی مشاور

ما وحی را یک شعور مرموز می‌دانیم. وقتی که شعور مرموز باشد، رمزگشایی، از آن کسی است که به کدهای مشورتی نائل شود. برای همین تنها راه منحصر در کمال مشاوره‌ی اسلامی را اتصال به عالم مفارقات می‌دانیم. راهکار اتصال به عالم مفارقات هم، ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ﴾ [14] است. خیلی نکته‌ی مهمی است؛ لذا همین مطالبی که در مشاوره می‌گوییم، اول برای مشاور است و بعد برای مراجع؛ چون اول مشاور باید این خصوصیات را داشته باشد، تا بتواند به کسی که به او مراجعه می‌کند، منتقل کند. در نتیجه راه برون‌رفت از همه‌ی مشکلات، اتصال به مبدأ و معاد است و تنها راه آن، شب و سحر داشتن است. کتاب خواندن و فقه و اصول و عرفان و تفسیر خواندن، همه‌ی این‌ها مقدمه است. این‌ها اصول اصطلاحی هستند که تا به مبدأ متصل نشوند، نتیجه نمی‌دهد.

5.2- اخلاص مشاور و اتصال او به مقام عقل فعال

«من أخلص لله أربعين صباحا ظهرت ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه [15].» اینک در مورد حضرت استاد علامه حسن‌زاده آملی (قدس‌الله‌نفسه‌الزکیة) عرض کردم که ایشان آبرمرد معرفت نفس هستند، به این جهت بود. بیش از ۳۵ سالی که در محضر ایشان بودم، ما سؤالی

از ایشان در علوم مختلف نکرديم که ایشان تأمل داشته باشند. اين نفس، متصل شده است. اينکه می گویند عالم ربانی و سالک توحیدی، معنایش این است. آنقدر مقام تزکیه و تهذیب ایشان رشد کرده است که متصل شده است. کسی که متصل شود، به تعبیر ابن سینا به عقل فعال می رسد؛ نه عقل هیولانی و بالفعل و مستفاد؛ بلکه به عقل فعال می رسد؛ لذا بوعلی سینا در بحث نبوت و منامات می گوید: «خصلت نبی نسبت به بقیه این است که در مقام عقل فعال قرار گرفته است [16].»

5.3- استغفار در سحر

ما عرض مان این است که هرچه مشاور به این فعلیت برسد، قوی تر است. و وقتی به فعلیت می رسد که شب و سحر داشته باشد. در فقره‌ای از الهی نامه عرض کردیم: «الهی از انسان سر می رود، ولی سَهَر و سحر نمی رود». سَهَر، یعنی بیداری و سَحَر، یعنی زمان خاص. این را تقویت کنید. ﴿وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَعْفِرُونَ﴾ [17]. ماه شعبان، ماه استغفار است. استغفار، بهترین کار است. استغفار، یعنی پوشش گذاشتن روی آسیب‌ها و تجلی کمالات. همان چیزی که در مشاوره‌ی اسلامی مطرح است. بهترین آداب در حوزه‌ی معرفتی مشاوره‌ی اسلامی آن است که ما پیرو آیات الهی باشیم.

5.4- برخورداری مشاور از مراحل بالای ایمانی

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا﴾ [18]. این خطاب، خیلی خطاب عظیمی است. روی آن تأمل بفرمایید. برخی از مفسرین اشکال کرده اند که این تحصیل حاصل نیست؟ بعد جواب دادند که خیر، بلکه آمِنُوا که اول آمده، فطری است، ولی آمِنُوا که دوم آمده، استدلالی است؛ یا اولی، ابتدایی است و دوم، نهادی است. ما در توجیه این جهت عرض کردیم که خطاب ایمان، خطاب تغلیبی است، نه تخصیصی؛ در نتیجه غیر مؤمنین هم در خطاب به ایمان دخیل هستند؛ لذا وجوب تقلید بر مکلف، وجوب عقلی است، نه شرعی؛ در نتیجه ایمانی که بعد آمده است، مراحل مختلف ایمانی است. و هرچه که مراجع و مشاور، باورش بیشتر باشد، حتی در مراجعه‌ی مشاور، مشاوره‌شان قویتر است. تفاوت مشاوره‌ی اسلامی با مشاوره‌های دیگر این است که مشاوره‌ی اسلامی، وحیانی است. یعنی عاقلانه‌ی عارفانه‌ی ربوبی است و تمام آیات الهی، تجلی‌شان در مشاوره‌ی اسلامی است.

- [2]بحار الأنوار - ط دارالاحياء التراث، العلامة المجلسي، ج٧٥، ص٣١٩.
- [3]بحار الأنوار - ط دارالاحياء التراث، العلامة المجلسي، ج٧٥، ص٣٥٨.
- [4]سوره شعراء، آيه ٢٢٠.
- [5]سوره اسراء، آيه ١.
- [6]باباطاهر، دوييتيها، دوييتي شماره ٢٣.
- [7]سوره طه، آيه ٢٥.
- [8]سوره طه، آيه ٢٦.
- [9]سوره طه، آيه ٢٧.
- [10]سوره شرح، آيه ١.
- [11]سوره آل عمران، آيه ١٦٤.
- [12]سفينة البحار و مدينة الحكم و الآثار، القمي، الشيخ عباس، ج٦، ص٣٢٧.
- [13]سوره سجده، آيه ٥.
- [14]سوره اسراء، آيه ٧٩.
- [15]الوافي، الفيض الكاشاني، ج١، ص١٠.
- [16]رسالة في النفس و بقائها و معادها، ابن سينا، ج١، ص٣٧.
- [17]سوره ذاريات، آيه ١٨.
- [18]سوره نساء، آيه ١٣٦.